



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث در این بود که آیا صحیح است که کسی در عقد وقف اخراج من یرید یا ادخال من یرید را شرط کند یا نه؟ مثلاً مزرعه ای را برای چند نفر معین وقف کرده ولی شرط کرده که بعداً چند نفر از آنها را کنار بزنند و از وقف خارج کنند یا اینکه بعداً چند نفر را داخل در وقف کنند آیا چنین شرطی نافذ است و این وقف صحیح است یا نه؟ ما قبلاً شرایط وقف را گفته ایم که از عقود لازم است و وقتی محقق شد و قبض نیز صورت گرفت آن مال موقوفه دیگر از ملک مالکش خارج شده و داخل در ملک موقوف علیهم می شود حالا بحث ما در این است که آیا بعد از تحقق عقد وقف می تواند اخراج من یرید و ادخال من یرید کند یا نه؟

کلام امام رضوان الله علیه را خواندیم و گفتیم که ایشان در مسئله ۵۹ از کتاب الوقف تحریرالوسیله فرمودند نمی تواند چنین کاری بکند، خلاصه اگر شرط ضمن عقدی در بین نباشد که شکی در عدم جواز ادخال و اخراج من یرید نیست اما اگر در ضمن عقد وقف شرط کرده باشد آیا چنین شرطی نافذ و موثر خواهد بود یا نه؟

صاحب جواهر رحمه الله علیه در این بحث توجیهات و تشویقاتی بوجود آورده، ایشان در این رابطه اینطور می فرماید: «ولو شرط إخراج من یرید بطل الوقف» (صاحب جواهر بطل را به شرط زده بر خلاف محقق که به عقد زده) بلا خلاف آنچه فیہ کما عن المیسوط اعترافه به، بل قیل ظاهره نفیه بین المسلمین، بل فی المسالك وعن صریح وظاهر غیره الإجماع علیه، ولعله العمدة، وإلا ففي الكفاية فيه إشکال، نظراً إلى الدلیل، أي عموم "الوقف" (الوقف علی حسب ما یوقفها أهلها) ونحوها مما اقتضی جواز نظائره، كالعود عند الحاجة وغيره، مما یمكن فرض ما نحن فیہ نحوها وحينئذ فدعوى أنه شرط مناف لمقتضى اللزوم فی عقد الوقف، یدفعها عدم المنافاة، مع فرض وقوعه علی نحو غیره من الشرائط التي یقطع الوقف بها ولا تكون منافية للزومه^۱.

صاحب جواهر در اینجا برای اثبات کلام خودش (در صورت شرط ضمن عقد ادخال یا اخراج من یرید صحیح است) به سراغ دو روایتی که گفته اند "الوقف علی حسب ما یوقفها أهلها" رفته که در جلد

۱۳ وسائل ۲۰ جلدی صفحه ۲۹۵ و در باب دوم از ابواب وقوف ذکر شده اند:

خبر اول: «محمد بن علی بن الحسین بإسناده عن محمد بن الحسن الصفار أنه كتب إلى أبي محمد عليه السلام في الوقف، فوقع عليه السلام: الوقف تكون علی حسب ما یوقفها أهلها إن شاء الله.

ورواه الشيخ بإسناده عن محمد بن الحسن الصفار مثله^۲.

خبر دوم: «محمد بن یعقوب، عن محمد بن یحیی قال: كتب بعض أصحابنا إلى أبي محمد عليه السلام في الوقف وما روی فیها، فوقع عليه السلام: الوقف علی حسب ما یقفها أهلها إن شاء الله^۳.

با توجه به این روایات وقوف باید همان طوری که توسط واقف قصد شده باشند و در این جا نیز واقف شرط اخراج و یا ادخال من یرید را کرده است.

صاحب جواهر می فرماید در کفایه (سبزواری که هم عصر شیخ بهائی بوده) نیز گفته شده دلیلی بر بطلان وقف در صورت شرط نیست زیرا "الوقف علی حسب ما یوقفها أهلها".

به نظر بنده تمسک کردن به این روایات در اینجا درست نیست، زیرا شارع مقدس کلیات و قوانینی را وضع می کند مثلاً می گوید "الناس مسلطون علی أموالهم" ولی خب همین شارع قمار و تجارت خمر را حرام کرده لذا ما نمی توانیم بگوئیم طبق این آیه مسلط به اموال خودتان هستید پس هرکاری که دوست داشتید می توانید با اموالتان بکنید بلکه باید ببینید شارع در جاهای دیگر چه گفته و بعد با این عمومات بسنجید و ببینید آیا در چهارچوب قوانین و مقررات شرع می باشد یا نه در ما نحن فیہ نیز همین طور است و ما عموم "الوقف علی حسب ما یوقفها أهلها" را باید با قوانین و مقررات و ضوابط دیگری که خود شارع مشخص کرده بسنجیم بعلاوه ایشان می فرماید دو خبر ولی در واقع اینها دو خبر نیستند بلکه یک خبر است.

صاحب جواهر از چندین راه خواسته صحت اخراج یا ادخال در وقف در صورت وجود شرط ضمن عقد را درست کند که این بحث را مطالعه کنید تا در روز شنبه ادامه بدهیم إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی
محمد و آله الطاهیرین

^۱ وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۳، ص ۲۹۵، ابواب وقوف، باب ۲، حدیث ۱، ط الإسلامیة.

^۲ وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۳، ص ۲۹۵، ابواب وقوف، باب ۲، حدیث ۲، ط الإسلامیة.

^۱ جواهر الکلام، شیخ محمد حسن نجفی جواهری، ج ۲۸، ص ۷۷.